

AFGHAN

UPDATE

Afghan Update February 2010, No. 22

Exploring Afghanistan's history
Challenges ahead for heritage
Stop the smuggling: The fight against looting the past
Roads in Afghanistan's past and future



A UNAMA Publication

عرصه فرهنگی در افغانستان و چالش های فراروی

نوشته براندون کسار

تاریخ و باستانشناسی افغانستان به بیش از ۴۰ هزار سال قبل میرسد، زیرا بر اساس فوسیل شناسی در بعضی نقاطی ابزار سنگی که زندگی اولین انسان های ساکن در افغانستان را نشان میدهد، دیده شده که از عصر برنز الی عصر آهن، تمدن های از قندهار گرفته تا بلخ رو به شگوفایی بوده و بعد در عصر اسلامی یعنی زمانی که غزنی، غور و هرات مراکز فرهنگ و تمدن تعالی شمرده میشود. خیلی از ایده های عالی در افغانستان شکل گرفته و تأثیرات انکار ناپذیری را بر مردم و منطقه گذاشته که از تولد زرتشت در بلخ تا گسترش هلنیسم، رشد بودیزم و شگوفایی اسلام و هنر اسلامی، مردم، مقبره ها، مکان های باستان شناسی و ادبی همه این ها حاوی شواهد و اسناد چند لایه در مورد فرهنگ و میراث متعالی و غنی این سرزمین می باشد.

تنوع تاریخی این کشور در فرهنگ های معاصر و زبانهای افغانستان که به برکت شکل و ساختار شعر، ادبیات، هنر، موسیقی، رقص و دیگر اشکال هنر و معماری سنتی بصورت مساویانه غنی اند بسیار متنوع است و نماینگر انتقال مهارت و دانش های پالوده شده از یک نسل به نسل دیگر طی قرن ها می باشد. همه این ها سرمایه هایی اند برای پروسه بازسازی افغانستان که سهمی را در توسعه اقتصاد و فرهنگ ملت در گذشته ها داشته است. در افغانستان معاصر این "میراث ناملموس" طوریکه یونسکو آن را دانش، مهارت و سنت مشخص نموده میتواند بیناد و تهداب مثبتی برای یک بحث و گفتگو در صلح و تفاهم متقابل ای باشد که کشور را به پیش میبرد.

مأموریت یونسکو در عرصه فرهنگ در افغانستان همانا حمایت و ترغیب مردم افغانستان و مسئولین آن در جهت حفاظت تمام عرصه های این فرهنگ غنی می باشد که به مثابه یک منبع تاریخی و هویت نسل های بعدی کشور و همچنان پلاتفورمی است که باید یک فرهنگ صلح و انکشاف پایدار را بر مبنای آن ساخت.

بیشتر از آن، عرصه فرهنگ در افغانستان توانمندی قابل رشدی برای اشتغال و ایجاد درآمد دارد و از طریق صادرات قانونی محصولات فرهنگی و توسعه صنعت آن به اکثر کشور ها می تواند توسعه یابد و از محصولات سنتی زراعتی گرفته تا آثار دستی همه شامل آن میگردد. همسایه های افغانستان همین اکنون در امتداد جاده تاریخی ابریشم یعنی، از چین الی، جمهوری های سابق شوروی از توریسم رو به رشد فرهنگی، و صادرات محصولات فرهنگی، و آفرینشی استفاده میکنند.

مزایای دقت و تمرکز یک فرهنگ به صلح و پروسه ملت سازی در افغانستان بسیار واضح و آشکار است. بدیهی است که اگر یک فرهنگ صلح در افغانستان ترغیب و تشویق شود، باید بر مبنای تنوع فرهنگی و همچنان تشریک هویت ملی ای باشد که این تنوع را در پیچیدگی خود درک و تجلیل میکند. رویکرد فرهنگی برای توسعه در این کشور مسئله بهبود و بازگشت از جنگ بخصوص با تقویت صلح و همگرایی اجتماعی و ایجاد یک درک مشترک از هویت ملی میتواند به گروه ها و اجتماعات آسیب دیده کمک کند تا یکبار دیگر هویت فرهنگی خود را کسب کنند و این خود بازگشتی می باشد به وضعیت عادی و ایجاد تنوع قبلی فرهنگی کشور. در این ارتباط نقش فرهنگ در ایجاد صلح پایدار در افغانستان بسیار واضح و آشکار است.

ولی باید در نظر داشت که این بازگشت به صلح و تنوع بخصوص با حمایت از عرصه های میراث و صنعت فرهنگی؛ یعنی بازسازی موزیم ها، نگارستان ها، تیاتر، رسانه های جمعی و حمایت از معماری سنتی و که باعث پایداری صنعت های محلی میگردد، حامل پیامد های ملموس و آشکار باشد. حتی در این مقطع دشوار بازسازی، بخصوص در چنین سکتوری که منابع و تمویل کنندگان زیاد وجود ندارد، صنعت فرهنگی همین اکنون از طریق نمایشگاه های بین المللی میراث ملی و تجارت صنایع دستی میلیون ها دالر عواید برای افغانستان ایجاد میکند.

بیشتر از آن، سود و مزایای مباحث ملی از این گونه نمایش های جهانی میتواند اثرات مثبت داشته و باعث توسعه و ترغیب بیشتر حمایت های ملموس برای این سکتور از سوی جامعه بین المللی گردد.

هرچند توانمندی عمده برای توسعه فرهنگی افغانستان در حال حاضر در حال تحلیل می باشد. میراث فرهنگی افغانستان در گذشته به علت تاراج و چشم پوشی های چند دهه جنگ، نا آسانی و شورشگری که تا هنوز جریان دارد، زیان غیر قابل تصویری را متحمل شده و هنوز هم در معرض تخریب جدی قرار دارد. علیرغم تلاش های جدی، چندین لوح تاریخی که از سوی یونسکو و مسولین افغانی ارزش جهانی آن مشخص شده، تخریب شده اند و یا هم در معرض نابودی قرار دارند، زیرا نه منابع لازم برای نگهداری آن و نه کارشناس وجود دارد تا بتوان اقدامات جدی و عاجل برای حفظ و نگهداری آن ها را مطرح نمود. بعضی از مکان های تاریخی به علت درگیری ها و یا منزوی شدن در کوه ها فرصت برای حفظ و نگهداری جدی قانونی از آنها را کاهش می بخشد. با وجود جانبداری کلی، یونسکو در جهت حفظ و نگهداری منار جام، هرات، بامیان و غزنی فعال است، اما در این جهت بخصوص در ولایاتی که به علت جنگ قابل دسترس نمی باشند کار های جدی باید صورت گیرد.

با اینکه بازدید از خیلی از مکان‌های تاریخی در افغانستان به علت جنگ مشکل می‌باشد، اما در نتیجه یک ارزیابی جدی بازارها معلوم شد که این مکان‌ها هنوز هم در معرض تاراج و قاچاق آثار فرهنگی قرار دارند. با وجود قانون حفاظت از دارایی‌های فرهنگی و تاریخی سال ۲۰۰۴ افغانستان، اقلام غیر قانونی یعنی اقلامی که منشأ تشخیص شده قانونی ندارند، برابر چشمان خیلی‌ها ذخیره و خرید و فروش می‌شود. بنابراین لازم است تا بخاطر جلوگیری و منع قاچاق، تجارت غیر قانونی، غصب و نگهداری غیر قانونی آثار فرهنگی باید قوانین منع ۱۹۷۰ یونسکو را در این خصوص اعمال نمود که دولت افغانستان در سال ۲۰۰۵ عضو آن شده است. با وجود منابع متعدد موجود در دست مسئولین برای کنترل قاچاق در مرزهای افغانستان و یا حداقل تضمین مراقبت‌ها از مکان‌های تاریخی و باستانی در این کشور، وضعیت هنوز هم جدی است.

یک واقعیت دیگر این مشکل این است که اکثر نکات تاریخی با ارزش بیشتر هنوز هم نا آشکار و نا شناخته مانده و مردم محلی و غارتگران بخاطر منافع شخصی آن مکان‌ها را مورد تاراج قرار می‌دهند. فقر، انزوای روستایی، نبود فرصت‌ها در صنعت قانونی و نبود آگاهی از ارزش و قیمت میراث فرهنگی هم در تخریب مکان‌های تاریخی و در نقش آن برای حفظ و توسعه فرهنگی آینده کشور سهم دارند. آخرین حلقه در این زنجیره افرادی‌اند که این مواد و آثار را بصورت غیر قانونی به اروپا، امریکای شمالی و آسیای شرقی صادر می‌کنند و جهان را از شناخت تاریخی این منطقه مهم و این کشور محروم می‌سازد که این منبع مهم غیر قابل احیا می‌باشد.

بافت و معماری شهرهای افغانستان به علت جنگ و انکشاف نامحدود هم تهدید می‌شود. اکثر افغانها و جامعه بین‌المللی از این درک و تفکر غلط که فکر می‌کنند یک ساختمان یا مکان "جدید" بهتر از ساختمان سنتی است و باید توسط کانکریت و سیخ به شیوه مدرن ساخته شود. نه تنها این مسئله بلکه مراکز تاریخی در کابل، هرات، بلخ و اکثر ولایات بخاطر انکشاف بدون درک پلان‌های منطقه‌سازی برای انکشاف‌های تازه در این عرصه و یا حفظ ساختار و معماری کهنه شهرها کاملاً به انزوا رانده شده‌اند. کشورهای زیادی در آسیا؛ یعنی از دبی تا سنگاپور خیلی دیر درک کردند آن گونه شکل سنتی معماری که با بخش‌هایی از معماری و تکنولوژی امروز تلفیق شده بسیار مهم بوده و نقش مثبتی را در دفاع از هویت ملی ایفا می‌کند و در ضمن باعث ترغیب بیشتر انکشاف اقتصاد متنوع می‌گردد.

مشکل برای درک میراث فرهنگی افغانها بسیار گسترده است و نیازمند یک حمایت مهم و منسجم ملی و بین‌المللی می‌باشد. اما اگر باز هم کاری در این عرصه صورت نگیرد، این مشکلات بخصوص در این زمان مهم باز تاریخ کشور را به عقب میراند. مزایا و سود با هدف تقویت یک هویت مشترک ملی فراتر از دیدگاه‌های قومی و مذهبی بوده و میتواند سهمی در صلح و گفتگوهای بین فرهنگی ایفا می‌نماید و اما مزایای ترغیب رشد اقتصادی از طریق ایجاد فرصت‌های کاری در فرهنگ و صنعت خلاق میتواند تا سه تریلیون دالر در سطح جهان سالانه ایجاد کند و در ضمن حفظ صنعت توریسم در این زمینه را هم نباید از یاد برد. کشورهای مثل وینام و کمپوچیا که در سالهای ۱۹۶۰ با فقر جدی روبرو بودند، امروزه سالانه میلیون‌ها دالر از صنعت توریسم بین‌المللی و صادرات محصولات قانونی خود سود می‌برند. بیشتر از آن، دو منطقه بزرگ در همسایگی افغانستان، یعنی هند و چین نه تنها صادرکنندگان بزرگ "فرهنگ"، بلکه مصرف‌کنندگان عمده هم‌اند و این خود فرصت خوبی است تا افغانستان هم به این عرصه وارد شود و منتظر "فرصت‌های خوب" زمانی نه نشیند.

از سال ۲۰۰۱ بدینسو، دولت افغانستان با حمایت یونسکو در جهت بهبود چهارچوب قانونی برای حفظ میراث فرهنگی خود بخصوص با تصویب چندین کنوانسیون مربوط به منع قاچاق آثار عتیقه (یونسکو ۱۹۷۰ و UNIDORT ۱۹۹۵) و دو کنوانسیون برای حفظ میراث ناملموس و تنوع فرهنگی (یونسکو ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵) گام‌های خوبی را برداشته است. قانون ملی هم در سال ۲۰۰۴ تقویت شد تا در تطبیق این کنوانسیون‌ها و کنوانسیون ۱۹۷۰ میراث فرهنگی جهانی کمک کند. این ابزار حقوقی بین‌المللی نه تنها با حمایت جامعه بین‌المللی و هماهنگی بهتر برای دولت افغانستان میراث فرهنگی این کشور را حفظ می‌کند، بلکه میتواند در ایجاد یک درک از هویت مشترک ملی و اشتغال وابسته بر صنعت پایدار محلی، افغانستان را در این عرصه کمک کند.

در مجموع، توسعه تنوع فرهنگی و بخصوص حفظ میراث فرهنگی در اشکال ملموس آن (مثلاً بناهای تاریخی، مکان‌های باستانی و مجموعه‌های موزیم) و در ضمن در شکل غیر ملموس آن (سنت‌های شفاهی، موسیقی و زبان‌های سنتی) میتواند به مثابه نکات قابل اتکاء برای احیای درک متقابل بکار رود. فرهنگ میتواند با کمک به درک بهتر از اینکه یک جامعه چه گذشته‌ای را پشت سر گذاشته و در آینده چه جایگاهی خواهد داشت، نقش مهمی را در تقویت درک هویت ملی ایفا کند. در ضمن میتواند بحث یا استدلال مثبتی را بر تنوع قومی و مزایای آن به مثابه یکی از مباحث فرهنگی، هویت ملی و صلح‌سازی و همچنان تقویت اقتصادی برای مردم افغانستان برآورد. همه این‌ها دلایل جدی برای جهت‌یابی فرهنگ در درون پالیسی ملی و پروژه‌های انکشاف بین‌المللی می‌باشد و نشان می‌دهد که چرا این مسئله باید این قدر مهم باشد تا بر فعالیت‌ها در تمام سکتورها در کشور و به مثابه یک نمونه یا الگوی انکشاف فرهنگی جای داده شود.

موفقیت های

اندک در برابر قاچاق بران
گنجینه های افغانستان

او از عقب به زبان
انگلیسی خالص صدا
زد، "اول نزد من بیا".

نویسنده: ادیتیا مهتا، یوناما

اکنون پس از اینکه او توجه مرا جلب کرد، به ادامه گفت، "من امروز قیمت خوبی برایت میدهم. من هرچیز دارم، تفنگ، چاقو، مجسمه و حتی سکه های قدیمی." (دشوار بود میزی را که بالای آن شمشیرها وجود داشت و بعضی از آنها مزین و تعداد دیگر آن زنگ زده بود و یک قرن قبل یک جنگجوی بیچاره را دو نصف میکرد نادیده گرفت).

پس از اینکه وی عدم دلچسپی کافی و یا عدم توانائی خریداری مرا نسبت به کلکسیون سلاح و مهمات اش تشخیص داد، یک ظرف شیشه ای را که پر از سکه های فلزی مختلف النوع بود بیرون کرد.

"این سکه از زمان اسکندر است و قیمت آن صرف ۴۵ دالر امریکائی است. اگر خواسته باشید، سکه های نقره دیگر هم دارم. بگیر و سیل کن."

تقریباً اوایل بعدازظهر روز جمعه بود. من به بازار هفته وار آیساف به مرکز شهر کابل رفته بودم. کریم خان (نام مستعار) یک فروشنده غیور باید در زندان میبود. و سکه ۴۵ دالری همراه با صورت نقاشی شده اسکندر کبیر، تفنگ های قدیمی از دوران جنگ جهانی دوم و شمشیرهایی که توسط راهزنان یا شهزاده مورد استفاده قرار میگرفت باید در موزیم ملی افغانستان تحت قیمومیت رئیس توانائی موزیم ملی آقای محمد مسعودی به نمایش گذاشته میشد.

آقای مسعودی در دفتر بزرگ کارش که در منزل تحتانی قرار داشت و با نقشه ها و کتب در مورد افغانستان تزئین یافته بود گفت، "موجودیت همچو بازارها عادی است. دوکانداران این مارکیت ها جهت فروش صنایع دستی مجوز رسمی اخذ مینمایند، اما در عوض اشیای انتیک را بطور غیرقانونی بفروش میرسانند. تقاضای من از مقامات یا مراجع که برای کمک به کشور ما آمده اند اینست که به مردم اجازه ندهند تا اشیای انتیک را بفروش برسانند. از اتباع خارجی نیز تقاضا مینمایم تا این اشیا را خریداری ننمایند."



موزیم ملی در کابل حتی در روزکاری دوشنبه پر از ازدحام رفت و آمد مکرر خانواده ها، خارجی ها و محصلین هنرها با کمره های عکاسی و کتابچه های یادداشت در دهلیزهای تعمیر دوطبقه ای موزیم که در آنجا تاریخ و فرهنگ گرانبهای کشور نگهداری میگردد میباشد.

اما این موزیم باوجود نگهداری مجسمه های بودا، سکه های برونز یونانی، یا کوزه های سفالین از دوره اسلامی، خاطرات تلخ دوره نه چندان دور را نیز به همراه دارد.

در جریان جنگ های طولانی و ظالمانه داخلی، موزیم ملی اکثراً دستخوش چپاولگران و آماج آتش گلوله و راکت قرار گرفته است. طالبان نیز گاهگاهی بالای موزیم حمله ور گردیده و سهم خویش را با منفجر ساختن مجسمه های بامیان ادا نمودند.

آقای مسعودی یادآور شد که "هفتاد درصد آثار تاریخی بین سالهای ۱۹۹۲ الی ۱۹۹۵ به تاراج برده شدند. بطور تخمینی گفته میتوانم که صرف موزیم خود ما حدود ۷۰،۰۰۰ توتاه از گنجینه های افغانستان را در جریان همین سالها از دست داد. که یک دوره اندوهناک و وحشناک بود."

وزارت اطلاعات و فرهنگ اظهار میدارد که حکومت از این مشکل واقف بوده و هرگونه سعی و تلاش ممکن، بشمول جابجائی نگهبان، را بخرچ میدهد تا از ساحات باستانی محافظت نماید. این تلاشها موفقیت هائی را نیز در پی داشته اند. آقای مسعودی به این باور است که، "حکومت دارای یک نیروی ویژه قوی ۵۰۰ نفری که از این ساحات دفاع نماید بوده و توانسته است تا کاوش غیرقانونی را در هشت ولایت کشور تحت کنترل در آورد. باوجود آنهم، ما به پولیس بیشتر نیاز داریم."

اما، محافظت ساحات از سوی پولیس یک راه حل دوامدار است؟ سازمان تعلیمی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) به این باور است، باوجودیکه جابجائی نگهبانان یکی از پاسخها است، اما به یک سلسله اقدامات مشترک دیگر نیز نیاز است.

آقای شیگیرو اویای، رئیس این سازمان در افغانستان گفت، "کاوشها، صادرات و انتقال غیرقانونی میراثهای فرهنگی از جمله نگرانیهای عمده (ما) بشمار میروند. بخاطر جلوگیری از این کار، ما سه راه را مدنظر میگیریم که عبارتند از: بلندبردن سطح آگاهی مردم که در اطراف ساحات زنده گی مینمایند، اقدامات واقعی مانند جابجائی نگهبانان، و صدای جامعه جهانی نسبت به احترام به غنایم بودن فرهنگ این کشور."

سازمان تعلیمی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) که از سال ۲۰۰۲ بدینسو در افغانستان فعالیت مینماید، در جمع سایر شرکا، در حفظ فرهنگ و میراث تاریخی این کشور سهیم بوده است. آقای مسعودی میگوید که اداره یونسکو یک "نقش مهم" را در راستای تلاش جهت بازیابی آثار تاریخی از سال ۲۰۰۳ بدینسو ایفا نموده است. یونسکو تدابیر درازمدت مانند جابجائی نگهبانان در اطراف ساحات باستانی در بامیان و همچنان کمک به مقامات افغانستان جهت تطبیق چارچوبهای قانونی مربوط به دو کنوانسیون در مورد صادرات و انتقال غیرقانونی آثار فرهنگی که در همین اواخر از سوی حکومت توشیح گردید رویدست گرفته است.

درحقیقت، حکومت افغانستان پس از پذیرفتن کنوانسیون وسایل منع و جلوگیری از وارد، صادر و انتقال غیرقانونی مالکیت آثار تاریخی (سال ۱۹۷۰، پاریس) در سال ۲۰۰۵، توانست به تعداد ۸،۵۰۰ توتہ آثار را از کشورهای ناروی، دنمارک، سویس، ایالات متحده و انگلستان دوباره بدست بیاورد.

در اوایل سال ۲۰۰۹، مقامات افغانستان یک پیروزی مهم دیگر را، زمانیکه حکومت انگلستان به تعداد ۲،۰۹۸ توتہ آثار تاریخی را که طی سالهای گذشته در میدان هوائی هیترو لندن ضبط نموده بود و متعلق به دوره بین عصر حجر قدیم و جدید، عصر جدید حجر و دوره اسلامی، بشمول یک دوره حدود ده هزار سال قبل بود مسترد نمود حاصل کرد.

آقای مسعودی در حالیکه با افتخار به یک گنجینه مسترد شده که یک کاسه آبی از قرن دوازدهم بود و اکنون در موزیم به نمایش گذاشته است اشاره مینماید گفت، "در ابتدا، حکومت بریتانیا تصاویر آثار تاریخی ارسال نمود. ما آنها را شناسائی و بعداً از طریق مجرای دیپلماتیک تقاضای استرداد آنان را نمودیم. زمانیکه طیاره به میدان هوائی کابل رسید و ما صندوقها را در موزیم باز نمودیم، آن یک لحظه بسیار خوش برای من بود."

همراه با حکومتها، سازمانهای چون انجمن حفظ میراث تاریخی افغانستان که در سال ۱۹۹۴ از سوی افراد ذریبط و مؤرخ مانند خانم نانسو دوپری تأسیس گردید نیز در خریداری و مسترد نمودن اشیای تاریخی به حکومت همکاری نموده اند.

اما تا چی زمانی افغانستان به سخاوتمندی دیگران جهت بازپس گیری و حفظ فرهنگ اش متکی بوده میتواند؟ آقای مسعودی موافق است که این صرف افغانها است که در نهایت

یک نقش بزرگی را در راستای حفظ گنجینههای کشورهای جهت بهره مند شدن نسلهای آینده از آن ایفاء خواهند کرد. آقای مسعودی پذیرفت که "بدون کمک مردم خود ما دشوار خواهد بود تا از قاچاق جلوگیری بعمل آید. مردم در اینجا تعلیم یافته نیستند و ارزش این آثار تاریخی را نمیدانند و در قاچاق آن همکاری مینمایند. آنها باید در این مورد بیشتر آگاه ساخته شوند."

آقای مسعودی به یک موضوع متقاعد کننده اشاره میکند. در قدم اول، باید اشخاص مانند کریم خان که اشیای انتیک را بطور غیرقانونی در بازار روزجمعه آیساف کابل بفروش میرساند تعلیم داده شوند.



صندوق وجهی آغا خان برای فرهنگ



صندوق وجهی آغا خان برای فرهنگ

www.akdn.org/aktc

از سال ۲۰۰۸ بدینسو، صندوق وجهی آغا خان برای فرهنگ یک سلسله فعالیت های بازسازی و مرمت کننده را در بخش یا ساختار های تاریخی شهر کابل و هرات انجام داده است. علاوه بر حفظ و نگهداری آثار تاریخی، پروگرام های این صندوق قصد دارد تا شرایط زندگی مردم را از طریق ارتقای مشوق های کاری بهتر ساخته و از طریق ایجاد حرفه ها میان صنعت کاران افغان و متخصصین وضعیت اقتصادی شان را بهتر بسازد.

تا کنون، این صندوق بیش از ۶۰ مکان تاریخی عامه و ساختمان های شخصی را بازسازی نموده و در کنار سرمایه گذاری ها جهت ارتقای زیرساخت های اساسی حدود ۵۰ هزار ساکن مناطق تاریخی در کابل و هرات از آن بهره مند شده اند. در ضمن، صندوق وجهی آغا خان به مثابه یک بخشی از تلاش ها در جهت تضمین پروسه برنامه ریزی و مدیریت موثر شهری، ارایه کمک تکنیکی خود به نهاد های همکار افغانی را همچنان ادامه میدهد. یکی از عرصه های مهم این کار حمایت برای آموزش مسلکی در دانشگاه کابل است.

از سال ۲۰۰۴ بدینسو، فعالیت های موسیقی شبکه آغا خان برای آسیای میانه در مکاتب هرات و کابل فعالیت نموده و بیش از ۱۰۰ شاگرد نواختن یک سلسله آلات موسیقی محلی را تحت نظر موسیقیدان های باتجربه فراگرفته اند.

در سال ۲۰۰۹، صندوق وجهی آغا خان برای فرهنگ ابتکارات فرهنگی افغانی را براه انداخت که هدف آن کاوش تشریک مساعی میان کسانی که در عرصه معماری، هنر، صنعت، هنر های زیبا، موسیقی فولکلور و تاریخ اجتماعی فعالیت دارند، میباشد.



AGA KHAN TRUST FOR CULTURE

سازمان حفاظت از میراث های فرهنگی افغانستان

این سازمان توسط گروهی از افراد علاقه مند به شمول مورخ مشهور نسی اچ دوپری در واکنش به خبر آسیب پذیری میراث های فرهنگی افغانستان در سال ۱۹۹۴ ایجاد گردید. سازمان مذکور جهت ترویج میراث های فرهنگی به عنوان بخش واحد تلاش بازسازی کلی کار نموده است. این سازمان با جامعه افغانی بطور مشترک فعالیت نموده تا آگاهی اهمیت مرکزی میراث های فرهنگی و نقش مهم را که میراث های افغانی در ایجاد صلح میتواند ایفاء کند افزایش دهد.

از آغاز جنگ در سال ۱۹۷۹، بناهای عمده تاریخی، صنایع و محلات باستانی در سراسر افغانستان از اثر جنگ، غارتگری و غفلت مورد تهدید قرار گرفتند. این تهدید در سال ۱۹۹۲ با غارتگری و تخریب موزیم کابل جدی تر شد و به اوج خود رسید که در ۲۰۰۱ جامعه بین المللی تخریب بودای بامیان را مشاهده نمود.

یک واقعه به خصوص که موسسین این سازمان را با هم یکجا ساخت نگرانی در مورد غارت موزیم کابل بود. در بین سال های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۶ ۴۸ قلم اثر از موزیم کابل غارت شده که توسط این سازمان دوباره در دسترس وزارت اطلاعات و فرهنگ قرار گرفته است.

سازمان حفاظت از میراث های فرهنگی افغانستان از سال ۲۰۰۸ به اینسو غیر فعال بوده است.

سازمان حفاظت از میراث های فرهنگی افغانستان
وبسایت: www.spach.info

هیئت باستان شناسی فرانسه در افغانستان: ۱۹۲۲-۲۰۰۹

DAFA در سال ۱۹۲۲ بر اساس درخواست دولت افغانستان ایجاد شد تا تحقیقات باستان شناسی را در کشور انجام دهد. بعد از یک وقفه در جریان جنگ جهانی دوم، کارهای حفاری از سال ۱۹۴۶ از سر گرفته شد و تا اوایل سال ۱۹۸۲ ادامه داشت. در سال ۲۰۰۲ میلادی، بر اساس یک موافقتنامه با وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان، وزارت امور خارجه فرانسه تصمیم گرفت تا فعالیت های DAFA را در افغانستان از سر بگیرد.

این هیئت قصد دارد تا با ایجاد مأموریت های مشترک باستان شناسی میان افغانها و فرانسه از گذشته ای غنی افغانستان اطلاعات جمع آوری کند. این کار شامل بررسی و شمارش بقایای باستانی و پیشبرد و رهبری حفاری ها در چهارچوب پروگرام های خاص تحقیقاتی می باشد تا بتوان مکان هایی را که در اثر حفاری های غیر قانونی و یا پروگرام های انکشافی تهدید میشوند، حفاظت و نگهداری نمود. اهداف دیگر DAFA شامل آموزش متخصصین آثار باستانی و حفاظت، احیا و ترویج میراث باستانی افغانستان میگردد.



عمده ترین مکان های فعالیت سازمان در شمال بخصوص در ولایت بلخ قرار دارد. موسسه DAFA در حال حاضر دو محل را حفاری میکند (شهر کهنه بلخ و چشمه شفا که یک محل مهم در فاصله ۲۰ کیلومتری جنوب بلخ قرار دارد) و همچنان در همکاری مشترک با صندوق اعتبار آقا خان برای فرهنگ کار مطالعه و مرمت مسجد نه گنبده حاجی پیاده را روی دست دارد. موسسه DAFA کمک علمی و تخنیکی خود را جهت حفاری مکان های بودیستی در قسمت مس عینک لوگر به انستیتوت ملی باستان شناسی ارائه میدهد.

هیئت باستان شناسی فرانسه در افغانستان

سایت انترنتی www.dafa.org.af



یونسکو در افغانستان

سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد (یونسکو) که از سال ۲۰۰۲ بدینسو بخاطر حمایت از دولت و مردم کار میکند، با چالش‌های دشوار بازسازی و انکشافی روبرو شده است. یونسکو در میان این فعالیت‌ها در حفظ آثار و فرهنگ غنی کشور نیز سهم داشته است. محترم آدیتیا محتا از یوناما با شیگیرو اوایگی رئیس سازمان یونسکو در کشور روی نگرانی‌ها و پلان‌های آینده این سازمان صحبت نموده است.

بخاطر حفظ میراث و فرهنگ افغانستان یونسکو چی کار می‌کند؟ اساسی‌ترین مشارکت یونسکو در عرصه فرهنگ و میراث این کشور در سه ستون تنظیم شده است. اول، حفاظت میراث ملموس فرهنگی مانند بامیان یا هرات و یا موزیم‌ها. ستون دوم در ارتباط به رشد حفاظت میراث ملموس فرهنگی است. مهمتر از همه، ما با وزارت اطلاعات و فرهنگ همکاری می‌کنیم تا انکشاف ظرفیتی بخصوص جریان رو به رشد کار مانند انکشاف جامع پالیسی فرهنگی را تقویت بخشیم.

افغانستان در حال حاضر دوره‌ای را سپری می‌کند که بخاطر انکشاف پول به این کشور سرازیر میشود. جاده‌ها در همه جا ساخته شده و ساختمان‌ها هم در حال ساخت می‌باشند! اما روی دیگر سکه این بازسازی‌ها در شهرها این است که به مناطق میراث فرهنگی نفوذ نموده و مانع حفظ و نگهداری آنها میشود. آیا شما نگران این مسئله هستید؟ شما چگونه این دو مسئله را با هم تطبیق میدهید؟

دقیقاً یک تعداد مراکز فرهنگی بخصوص منار جام و شهر کهنه هرات از این انکشاف متأثر شده‌اند. بع علت بازسازی سرک‌ها و عدم رعایت پالیسی‌های فرهنگی، بعضی از این خسارات مشخص شده است.

یونسکو سعی می‌کند تا توسعه بخشد که ما چگونگی می‌توانیم این توافقنامه با دولت را در مورد حفظ این گونه میراث‌های فرهنگی غنی رعایت کنیم. در مورد هرات باید گفت که ما با والی و اداره محلی آن ولایت ملاقات‌های خوبی داشتیم و آنها وعده دادند تا بخاطر حفظ میراث فرهنگی توافقنامه را عملی کنند. طبعاً این را هم درک می‌کنیم که انکشاف یک نیاز مبرم برای مردم است و نباید از آن چشم پوشی کرد. اما در حین حامل می‌دانیم که انکشاف و مراث فرهنگی باید هم گام با هم باشند و همدیگر را تکمیل کنند.

به گونه مثال، در بامیان خسارات بزرگی از انکشاف‌های قبلی تا هنوز جریان دارد. زمانیکه در این کشور صلح برقرار شد، ولایت بامیان با دعوت توریست‌ها، رشد آثار دستی و توسعه اقتصاد - توریستی پتانسیل خوبی برای انکشاف این کشور دارد. به این زمینه‌ها هم میتوان از منظر انکشافی نگاه کرد. به گونه دیگر، میراث فرهنگی یکی از راه‌های موثر برای انکشاف خود این کشور می‌باشد.

قاچاق آثار دست ساخته تاریخی افغانستان نیز یکی از مشکلات بزرگ است. آیا برای جلوگیری از این پدیده به اندازه کافی کار شده است؟ حفاری‌ها، صادرات، و انتقال غیر قانونی میراث فرهنگی افغانستان یکی از نگرانی‌های عمده یونسکو است. در ارتباط با صدور و انتقال غیر قانونی اشیاء دو کنوانسیون وجود دارد که به تصویب رسیده است. ما کوشش می‌کنیم این چهارچوب قانونی را توسط حکومت مرعی الاجراء بگردانیم. ما همچنین تلاش می‌ورزیم تدابیر خود مان را روی دست بگیریم. به عنوان مثال ما هشت نفر گارد را پیرامون سایت بامیان مستقر نموده ایم. اما تدابیر برای جلوگیری از حفاری‌های غیر قانونی کافی نیست. مردمانی از خارج و حتی از داخل در این کار‌های غیر قانونی دخیل هستند. برای جلوگیری از این کار‌ها ما سه راه را در نظر گرفته ایم: رشد آگاهی مردمی که در حوالی این سایت‌ها زندگی می‌کنند؛ اقدامات واقعی مانند استقرار گارد‌های محافظتی؛ و سومی آن ندای جامعه جهانی مبنی بر احترام به غنای فرهنگی این کشور. اعمالی مانند حفاری غیر قانونی و غیره خیلی ریشه دار است و این مشکل است که بتوان گفت که کی دست به این کار می‌زند.

آیا شما فکر می‌کنید که افغانها باید بیشتر از فرهنگ شان آگاهی حاصل کنند؟ این یکی از راه‌هایی است که مردم می‌توانند از آنچه به ایشان تعلق دارد حفاظت نمایند.

آری، این یک بُعد عمده کار است. رسانه‌های بین‌المللی امروزه فقط مسایلی چون انتخابات و امنیت را تحت پوشش می‌گیرند. چنین اخباری به سادگی قابل دسترس است. اما این کشور باید از خود یک پیام مثبت ارائه نماید و غنای تاریخی و فرهنگی خود را به نمایش بگذارد. این برای آینده انکشاف در این کشور حایز اهمیت اساسی است. بلی، جامعه جهانی نگران این است که چگونه بتواند کمک‌های عاجل را فراهم نماید - اما در عین حال افغانستان باید به دازایی‌های محسوس و غیر محسوس فرهنگی خود افتخار کند.

آیا شما می‌توانید در رابطه با برخی از پروژه‌هاییکه در مورد آن خیلی احساسات عالی دارید سخن بگویید؟ از نظر بودجه، مبلغ هنگفتی از پول برای حفاظت از بامیان به مصرف رسیده است. چیزی حدود ۵ میلیون دالر امریکایی از سال ۲۰۰۲ بدینسو. ما فعلاً در فاز سوم قرار داریم. متخصصین ایتالیایی، جاپانی، و آلمانی در هماهنگی با یونسکو با وزارت نامبرده کار می‌کنند. یکی دیگر از سرمایه‌های فرهنگی جهانی منار جام است. کار در مورد آن باید ادامه یابد اما به علت ناامنی و مشکلات لوژستیکی ما از کاری که در سطح فعلی انجام می‌گیرد، راضی نیستیم.



United Nations
Educational, Scientific and
Cultural Organization

سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد (یونسکو)

دفتر یونسکو در ماه جون ۲۰۰۲ میلادی در کابل ایجاد شد تا در تلاش های بازسازی ملل متحد و جامعه بین المللی در این کشور سهم بگیرد. یونسکو به مثابه یک سازمان ملل متحد با ایجاد بنیاد صلح از طریق یک پروگرام مفصل در عرصه آموزش، علم، فرهنگ و ارتباطات مسئولیت ترویج صلح و ثبات را در این کشور به عهده دارد.

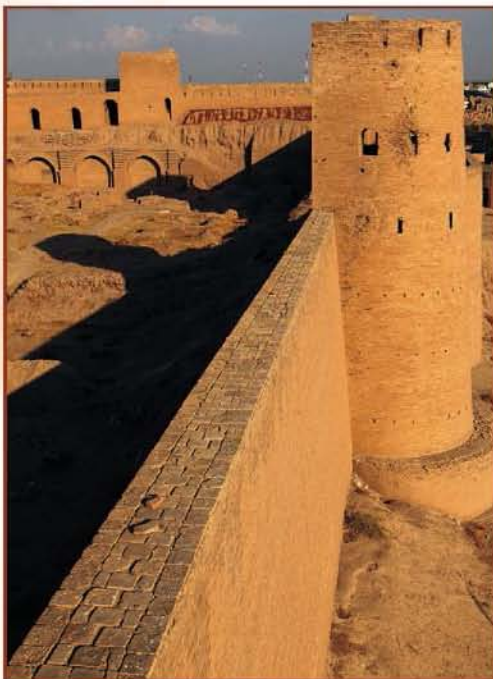
بخش فرهنگی دفتر کابل یونسکو به مثابه یک بخشی از این پروگرام بیشتر بصورت مستقیم به تضمین اقدامات لازم جهت میراث ملموس و غیر ملموس افغانستان و تقویت تنوع فرهنگی و حقوق بشر تمرکز نموده است.

در حال حاضر یونسکو در مشارکت با وزارت اطلاعات و فرهنگ در اکثر ولایات افغانستان مشغول اجرای پروژه های انکشافی فرهنگی و همچنان مشغول برنامه های وسیعتر برای تطبیق کنوانسیون های لازم جهت حفظ و تقویت میراث های فرهنگی، توسعه پالیسی های فرهنگی، مشارکت نهادی و همکاری بین المللی در جهت تقویت این سکتور می باشد.

در میان دیگر پروژه ها و فعالیت ها این سازمان فعالیت های حفاظتی و انکشافی ذیل را در مراکز میراث های جهانی افغانستان بخصوص در جام و بامیان، مقبره گوهر شاد در هرات، مقبره عبدالرزاق در غزنی، بازسازی یا ترمیم موزیم ملی و موزیم های دینی، آموزش متخصصین میراث های فرهنگی در عرصه های مختلف روی دست دارد.

افغانستان و جاده ابریشم: سرزمینی در قلب تجارت جهانی

توسط بیژن عمرانی



بعضی ها فکر میکنند که علاقه و دلچسپی جهان غرب به آسیا و شرق بخاطر این بوده که این سرزمین جایگاه ثروت ها و دارایی های عظیمی بوده. یکی از شعرای غربی بنام جیمز ایلوری فلیکر در قرن ۱۹ این دیدگاه به سوی شرق را "جاده طلایی" وصف نموده بود.

هرچند دیدگاه غرب به افغانستان در حال حاضر چنین نیست، اما طی چندین سده و یا هزاران سال تا همین اواخر دیدگاه ای یکنواخت و کلیشه ایی غرب به شرق و افغانستان طوری بوده که این سرزمین جایگاه ثروت عظیمی بوده که در حقیقت چنین است. طی چندین قرن، اروپا در سطح جهانی سرزمین مصیبت زده و فقیر بود، اما شرق سرزمین نفوذ و تجارت با ارزش بین المللی و دستاورد های فکری عظیم شمرده میشد که در این عرصه افغانستان میتواند ادعا کند یکی از پیشگامان شرق بود.

افغانستان بخاطر ثروت اش باید مدیون جایگاه جغرافیایی خود باشد، زیرا در قلب آسیای مرکزی قرار گرفته و در واقع نقطه تقاطع جاده کهن تجارتي بنام "جاده ابریشم" بوده که به تمام بخش های آسیا منتهی می شد. این جاده در جهت های مختلف به سوی چین، به سوی بخارا، سمرقند و خیوه در شمال و سپس به وادی های بزرگ کوچی نشینان، به سوی هند در جنوب شرق و به سوی ایران در شرق و در نهایت به دریای مدیترانه و اروپا منتهی میگردد. کالا هایی که می بایست میان این مناطق تبادل شود همه باید از مسیر افغانستان عبور میکردند و بنابراین شهر های افغانستان از نظر ستراتیژیکی در مسیر تجارت قرار داشت و میتوانست از تبادل کالا های تجارتي سود خوبی بدست بیاورد.

تا همراه با چنگ (یک آله موسیقی) پادشاه شهر او دفن شود و تعداد دیگری از این لاجورد ها در موزیم انگلستان وجود دارد. این سنگ ها و آثار در کشور های مختلف نشان میدهد که راه تجارتي چقدر فعال بوده و توانسته تا کجا ها برسد.

در قرن دوم قبل از ميلاد مشخص شد که این جاده تجارتي حتی به چین گسترانیده شده و در ۱۳۰ قبل از ميلاد یک تاجر چيني بنام ژانگ کوان که توسط امپراتور چین فرستاده شده بود، با ساکنین شمال افغانستان در اطراف بلخ ارتباط برقرار نمود. او دریافت که این مردم "تجار های باهوشی اند" و بلخ "هم بازاری برای فروش هر گونه کالای تجارتي دارد. به زودی بعد از این مأموریت ژانگ مأموریت های تجارتي منظمی به راه انداخته شد و بدین صورت بازرگانان زیادی توانستند تا از طریق این جاده از چین الی به امپراتوری روم در غرب بروند و در نتیجه جاده ابریشم کاملاً به یک جاده فعال و پر تردد مبدل شد.

جاده ابریشم از قرن اول تا سوم میلادی در اوج ترقی خود بود. در آن زمان در قسمت های افغانستان امپراتوری مقتدر کوشانی سلطنت میکرد که نه تنها بر افغانستان امروزی بلکه بر بخشی از پاکستان، تاجیکستان و ازبیکستان نیز حکمروایی داشت. سهم عظیمی از کالا ها بشمول ابریشم چینی، یاقوت و لاجورد بدخشان، ادویه های خوراکی، عاج و زبرجد هندی (که برای ساخت لباس نسوز استفاده میشد)، اجناس نقره ایی امپراتوری فارس و کالا های تولید شده امپراتوری روم مانند طلا، جواهرات، لوله های شیشه ایی، کهربا، کندر و کالای های نسوز توسط کوشانی ها خرید و فروش می شد.

بعضی از ثروت های با ارزش افغانستان دوره کوشانی در سال ۱۹۳۷ یعنی زمانی که در نتیجه حفريات پایتخت تابستانی کوشانی ها در کاپیسا نزدیک بگرام کشف شد، بدست آمد. در نتیجه این حفاری ها گدما بازرگانان کشف گردید که پر از کالا های تجارتي سراسر دنیا بود: به گونه مثال، گلدان های شیشه ایی منقوش و زیبا از سوریه و مصر، صد ها عاج هندی که توسط حکاکان تزئین و حکاکی شده بود و حتی مجسمه و قاب های بزرگ با تصاویر خدایان رومی و یونانی که از ایتالیا آورده شده بود نیز وجود داشت. اندازه و حجم حفاری ها نه تنها نشان دهنده پیشرفت و شگوفایی افغانستان در آن زمان بود، بلکه نشان میداد چگونه این سرزمین با دورترین نقاط دنیا در آن زمان در ارتباط بوده است.



تنها اهمیت جاده ابریشم از نظر تجارت، پول و ثروت نبوده بلکه خود او هم تأثیر به سزایی داشته و از سوی دیگر به مثابه یک جاده خوب ترانسپورته بود. شاعر نامبرده آقای جیمز ایلوری فیلکر یک بازرگانی را مجسم می کند که در مسیر جاده ابریشم قرار دارد و نوشته که این تاجر نه فقط به خاطر پول این قدر دور به شرق می آید بلکه بخاطر " یک دنیا دیدنی ها و ناشناخته های " بی پایان این سرزمین. طریقت های دینی مانند بودیزم هم توسط بازرگانان و سوداگران این مسیر آورده شده بود و مهمترین شخصیت هایی که قبل از قرن هشتم به افغانستان آمده بودند یک گروهی از راهبین بودیست چینی بودند که در جستجوی آثار بودیزم از طریق افغانستان به هند سفر میکردند. به پاس رفت و آمد های همیشگی سوداگران از گوشه های مختلف جهان، ایده های تازه این افراد با آنچه که در این سرزمین وجود داشته در هم آمیخته و دیدگاه های جدیدی را به وجود آورده بود. یکی از شواهدی که این ادعا را تأیید می کند مجسمه های بودا در شهر بامیان بود که اخیراً بدست طالبان کور دل تخریب شد. مجسمه های هنری و تزئین شده بودا مخلوطی از هنر بودیزم، یونانی و ایده های هنری و مذهبی هند که همه در افغانستان عصر کوشانیان رخ داده بود، میباشد. اسلام حتی قبل از ورود جنگجویان عرب در قرن هشتم به افغانستان به این سرزمین آورده شده بود و در بعضی موارد حتی سنت و رسوم آنها که به وسیله اسلام به میراث گذاشته شده بود با دیدگاه های گذشته مذهبی ترکیب شده است.

بعد از دوره ای کوشانیان در چندین دور این شبکه عظیم تجارته مختل شد. به گونه مثال در قرن چهارم تا ششم میلادی بود که امپراتوری های این سرزمین رو به انحطاط گذاشت، زیرا همه درآمد آنها از تجارت بود. اما وقتی این جاده دوباره باز شد، امپراتوری های جدیدی به میان آمد. یکی از این امپراتوری ها، تیموریان (از اواخر قرن چهاردهم الی اوایل قرن شانزده) بود که بعد از گشایش شبکه تجارته ابریشم میان چین و غرب بوجود آمد. در این زمان بنا های بزرگ اسلامی ساخته شد. به گونه مثال مصلاهی هرات و نویسندگان بزرگ مانند جامی نیز در آن عصر کار میکرد. به پاس میزان بالای تجارت و ایده های مختلف، کاشی کاری این بنا های اسلامی در آن زمان ویژگی و شکل چینی داشت و ایده ها و قوانین مغول های صحرا نشین نیز با قوانین اسلامی این سرزمین در هم آمیخته شد.

جاده ابریشم بطور اساسی زمانی از کار افتاد که تکنولوژی و صنعت بحری در قرن پانزده و شانزده میلادی توسعه یافت و در نتیجه همه میتوانستند به سادگی و بدون زحمت از مسیر آنها کالاهای تجارته خود را به سراسر جهان انتقال دهند. چون کالا های با ارزش تجارته دیگر از مسیر دریا ها انتقال داده میشد و تجارت جاده ایی دیگر رو به انحطاط میرفت، سلطنت آن زمان افغانی یکی از با ارزش ترین منابع عایداتی خود را از دست داد. اما شهرت جاده ابریشم آن زمان به گوش همه طنین انداز بود که تجار خارجی با تواضع و مهربانی استقبال میشدند، زیرا نه تنها کالا های تجارته بلکه اسرار ایمان و عقیده زیادی را در میان مردم آشکار می ساختند.

بیژن عمرانی بطور ممتد بشمول مقالات ذیل در مورد افغانستان نوشته: یک همراه و راهنما انتشارات اودیسه. کتاب جدید او بنام " آسیا از مسیر خشکی: حکایات سفر در جاده ابریشم و سایبریا که در ماه اپریل ۲۰۱۰ منتشر میشود. او یکی از اعضای انجمن جغرافیایی سلطنتی و انجمن آسیایی سلطنتی می باشد که عضو بورد امور آسیایی این مجله است. در حال حاضر در دانشکده ایتون در انگلستان تدریس میکند.

افغان آپدیت

د افغانستان د تاریخ سپړل

د افغانستان د فرهنگي میراث په وړاندې ننگونی

قاچاق بس دی: د تاریخ د لوټولو په وړاندې جگړه

د افغانستان لاري په تیر او راتلونکی کی





افغان آپښت

سلاوآغه ۱۳۸۸ کال، ۲۲ گڼه